

ابزارهای فرهنگی رژیم عبری برای طرح اسرائیل بزرگ چه هستند؟

فرهنگ، به مثابه

سلاح اشغال



محمد علی بیدانبار

طرح «اسرائیل بزرگ» چیست؟

«اسرائیل بزرگ» اصطلاحی است که به تصویری گسترده‌تر از مرزهای کنونی فلسطین اشغالی اشاره دارد و از ترکیب روایت‌های دینی، تاریخی و سیاسی شکل گرفته است. در متون مقدس یهودی، سرزمینی «از نیل تا فرات» به عنوان «ارض موعود» ذکر شده که برخی جریان‌های صهیونیسم مذهبی و ملی‌گرا آن را مبنای مشروعیت تاریخی و فرهنگی قرار داده‌اند. در سیاست معاصر اما، این مفهوم بیشتر در قالب گسترش کنترل اسرائیل بر اراضی فلسطینی و مناطق استراتژیک چون کرانه باختری، قدس شرقی، بلندی‌های جولان یا حتی بخش‌هایی از غزه دیده می‌شود.

این طرح در عرصه عمل با ترکیبی از شهرک‌سازی، زیرساخت‌سازی، انتقال اختیارات اداری به نهاد‌های غیرنظامی نزدیک به شهرک‌نشینان و روایت‌سازی فرهنگی و آموزشی پیش می‌رود. هدف از این روند «ایجاد حقایق زمینی» و نهادینه کردن هویتی است که حضور یهودی را طبیعی و دائمی نشان دهد.

برنامه‌هایی مانند آموزش و بازنگری کتاب‌های درسی، موزه‌سازی، حفاری‌های باستان‌شناسی، تغییر نام مکان‌ها و برگزاری جشنواره‌های ملی مذهبی در مناطق تازه اشغال شده بخشی از این رویکرد است. طبق اعلام اخیر نتانیاہومی توان حدس زد که او و رژیمش احتمالاً به بخش‌هایی از اردن و مصر هم چشم دارند. وقتی در یک برنامه تلویزیونی مجری از نتانیاہو پرسید که آیا او به ارض موعود اعتقاد دارد، او پاسخ مثبت داد و بر این اساس می‌توان حدس زد که توسعه طلبی‌های رژیم به خاک فلسطین محدود نمی‌شود.

چه شواهدی نشان می‌دهند که این طرح

رسمًا توسط رژیم اسرائیل اجرا می‌شود؟

در سال‌های اخیر، نشانه‌های متعددی دیده می‌شود که ایده «اسرائیل بزرگ» از یک شعار ایدئولوژیک به مجموعه‌ای از سیاست‌های عملی نزدیک شده است. دولت‌های راست‌گرای بی‌دربی، به‌ویژه کابینه کنونی بنیامین نتانیاہو، با گسترش شهرک‌سازی در کرانه باختری، قانونی‌سازی سکونتگاه‌های غیررسمی و انتقال بخشی از اختیارات اداری از ارتش به نهاد‌های مدنی نزدیک به شهرک‌نشینان، عملاً روند الحاق تدریجی را پیش می‌برند. این اقدامات در کنار پروژه‌هایی مانند طرح E1 که ارتباط جغرافیایی مناطق فلسطینی را قطع می‌کند به عنوان سندی بر «حق تاریخی فلسطینیان» طراحی شده اند تا کنترل اسرائیل را تثبیت کنند. همزمان، روایت‌سازی فرهنگی و آموزشی نیز تقویت شده است؛ از بازنگری در کتاب‌های درسی و نام‌گذاری مکان‌ها به عبری گرفته تا حمایت از حفاری‌های باستان‌شناسی و برگزاری رویدادهای ملی مذهبی در مناطق تازه اشغال شده. این سیاست‌ها نه تنها حضور فیزیکی، بلکه هویت یهودی را در این اراضی نهادینه می‌کنند. هرچند دولت اسرائیل رسماً سندی با عنوان «طرح اسرائیل بزرگ» منتشر نکرده، مجموعه این اقدامات و اظهارات مقامات، از جمله تأکید‌های اخیر نتانیاہو بر مأموریت «تاریخی و روحانی»، نشان می‌دهد این مفهوم به سیاستی عملی با ابعاد سرزمینی و فرهنگی تبدیل شده است.

یک نبرد فرهنگی در راه است!

اشغالگری در ۲۰۲۵ مستلزم یک پیوست فرهنگی قدرتمند است؛ ایجاد روایت‌های

اشغالگری در ۲۰۲۵ مستلزم یک

پیوست فرهنگی قدرتمند است:

ایجاد روایت‌های مطلوب اشغالگران، شکل

دادن بافت فرهنگی منطقه اشغال شده،

بازتعریف وقایع تاریخی و تحریف هر آنچه که

به اهداف اشغالگر کمک نمی‌کند مهم‌ترین

کارهایی هستند که باید انجام شوند

مطلوب اشغالگران، شکل دادن بافت فرهنگی منطقه اشغال شده، بازتعریف وقایع تاریخی و تحریف هر آنچه که به اهداف اشغالگر کمک نمی‌کند مهم‌ترین کارهایی هستند که باید انجام شوند. به این ترتیب، حتی آلمان نازی هم با استفاده از چنین روش‌هایی احتمالاً می‌توانست فاشیسم خونین و نژادپرستی بی‌حدومرز خود را «یک حق تاریخی» نشان دهد. در ادامه نگاهی به سه سطح از برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت فرهنگی که جهت جاناندختن طرح اسرائیل بزرگ، ایجاد شده‌اند می‌اندازیم.

برنامه‌های فرهنگی کوتاه‌مدت

جهت جاناندختن این طرح چیست؟

مهم‌ترین ابزار در برنامه‌های کوتاه‌مدت فرهنگی، روایت‌سازی رسانه‌ای است: شبکه‌های تلویزیونی، وب‌سایت‌ها و کمپین‌های شبکه‌های اجتماعی به طور هماهنگ پیام‌هایی درباره «حق تاریخی»، «امنیت» و «بازگشت به سرزمین اجدادی» را برجسته می‌کنند. افتتاح رسمی پروژه‌های شهرک‌سازی، نصب نمادهای ملی و دینی و حضور مقامات در مراسم افتتاح، جنبه‌ای نمادین دارد و به افکار عمومی پیام «تثبیت وضعیت» را منتقل می‌کند. به موازات آن، رویدادهای فرهنگی و آموزشی در محل‌های تازه اشغال شده برگزار می‌شود؛ از افتتاح مدارس و مهدکودک‌ها تا نمایشگاه‌های تاریخی و جشنواره‌های ملی مذهبی که حضور یهودیان را طبیعی و قدیمی جلوه می‌دهد. تغییر نام خیابان‌ها و روستاها به عبری و نصب تابلوهای جدید نیز از ابزارهای سریع هویت‌سازی است. این اقدامات کوتاه‌مدت، گرچه ظاهراً فرهنگی و اجتماعی‌اند، اما کارکرد سیاسی دارند؛ ایجاد عادت و پذیرش در میان ساکنان و مخاطبان داخلی و خارجی و آماده‌سازی زمینه برای سیاست‌های میان‌مدت و بلندمدت در راستای تثبیت دائمی کنترل و مشروعیت بخشی به اشغالی که به تازگی انجام شده است.

در میان مدت، چه ایده‌های فرهنگی

در این زمینه وجود دارد؟

این برنامه‌ها نقش مهمی در نهادینه کردن طرح‌های الحاقی و تثبیت حضور اسرائیل در مناطق مورد مناقشه دارند. این برنامه‌ها معمولاً در بازه‌ای چندساله طراحی می‌شوند و هدفشان انتقال پایدار روایت تاریخی و ملی به نسل‌های بعدی است. مهم‌ترین ابزار، بازنگری و تدوین کتاب‌های درسی و محتوای آموزشی است تا پیوند تاریخی یهودیان با مناطق تازه اشغال شده را به عنوان

واقعیتی بدیهی به دانش‌آموزان منتقل کند. در همین راستا، ایجاد یا توسعه مراکز آموزشی، دانشگاهی و پژوهشی در این مناطق پیگیری می‌شود. پروژه‌های باستان‌شناسی و موزه‌سازی با تأکید بر کشف آثار یهودی نیز در این دوره اهمیت می‌یابد؛ نمایشگاه‌ها و سایت‌های میراث فرهنگی جدید به افکار عمومی این پیام را می‌دهند که حضور یهودیان در این سرزمین دیرینه و مشروع است.

همچنین، شبکه‌سازی میان ساکنان جدید و جوامع پشתיبان از طریق انجمن‌ها، جشنواره‌های سالانه، اردوهای دانش‌آموزی و فعالیت‌های داوطلبانه زمینه‌ای برای شکل‌گیری هویت مشترک ایجاد می‌کند. در نهایت همه این فعالیت‌ها به ارسال این پیام سیاسی که «اینجا از ابتدا سرزمین ما بوده است» کمک می‌کند.

برنامه‌های بلندمدت در طرح اسرائیل بزرگ چه هستند؟

مهم‌ترین هدف برنامه‌های بلندمدت، تبدیل اقدامات موقت به وضعیتی دائمی است. در این چهارچوب، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آموزشی و شهری پایدار مانند دانشگاه‌ها، مدارس، مراکز هنری و کتابخانه‌ها به شکلی برنامه‌ریزی می‌شود که نسل‌های بعدی ساکنان این مناطق با هویت ملی و دینی مورد نظر دولت بزرگ شوند. همزمان، پروژه‌های گسترده باستان‌شناسی، موزه‌سازی و میراث فرهنگی برای تثبیت روایت تاریخی یهودیان در این مناطق توسعه می‌یابد و از شکل پژوهشی عبور کرده و تبدیل به یک عمل هویتی می‌شود و به مرور به جاذبه‌های گردشگری و علمی تبدیل می‌گردد. نام‌گذاری مکان‌ها و خیابان‌ها از حالت موقتی به دائمی و از عملی خودجوش به وضعیتی رسمی تغییر می‌یابد. ایجاد مسیرهای زیارتی و مناسک عمومی در تقویم ملی و تولید برنامه‌های رسانه‌ای و سینمایی بلندمدت بخشی از این تلاش‌هاست که حس تعلق و «طبیعی بودن» حضور اسرائیل را تقویت می‌کند. همچنین، ایجاد شبکه‌های گسترده انجمن‌های محلی، بنیاد‌های فرهنگی و برنامه‌های تبدیلی با شهرهای بزرگ اسرائیل با جوامع یهودی که در خارج هستند، ارتباطی عمیق و پایدار میان ساکنان این مناطق و جامعه مرکزی ایجاد می‌کند. بدین ترتیب، حتی اگر اراده جدی برای مقابله با طرح اسرائیل بزرگ وجود داشته باشد، پیچیدگی و عمق برنامه‌های فرهنگی طراحی شده باعث خواهد شد که مخالفت با این طرح راه به جایی نبرد.

در نهایت، تکلیف فلسطینیان چه خواهد شد؟

اجرای کامل ایده «اسرائیل بزرگ» دست‌کم در شکل مطرح شده از سوی جریان‌های راست‌گرای اسرائیلی پیامدهای بسیار جدی برای فلسطینیان خواهد داشت. تحلیل‌گران می‌گویند در صورت پیشبرد این طرح، احتمالاً کنترل نظامی و اداری اسرائیل بر کرانه باختری و دیگر مناطق مورد مناقشه تثبیت می‌شود و فضای زیستی فلسطینیان بیش از پیش محدود خواهد شد. برخی سناریوها از الحاق رسمی بدون اعطای کامل حقوق شهروندی به ساکنان فلسطینی حکایت دارد که می‌تواند به توسعه و تثبیت نظام دو طبقه‌ای و گسترش آپارتاید پنج‌جداره. در دیگر سناریوها، فشار برای کوچ اجباری یا جابه‌جایی تدریجی افزایش می‌یابد. حتی در خوش‌بینانه‌ترین حالت یعنی اعطای تابعیت مسئله هویت، حق بازگشت و خودمختاری فلسطینیان همچنان محل تنش باقی خواهد ماند.

از این رو، ناظران بین‌المللی هشدار می‌دهند که چنین مسیری می‌تواند به بی‌ثباتی پایدار، تشدید درگیری و بحران حقوق بشر در منطقه منجر شود.